

شهر

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال دوم | شماره ۴۴۰
www.mimihanonline.ir



مفسر چپ

بازخوانی کارنامه مبارزاتی
محمد موسوی خوینینی‌ها



شاه را بکش یا بزن اما نکش!؟

یادداشتی از مهرداد خدیو
درباره ترور محمدرضا پهلوی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷



سینمای اعتراض و سینماگر معترض

روایتی از سیدرضا صائمی
به بهانه حواشی این دوره جشنواره فجر



۴۴ سال رویاری

تقویم تقابل ایران و آمریکا در طول سال‌های انقلاب

گزارش حقوق ۱۲-۱۳

تأدیب باطناب؟

بررسی شرایط صدور احکام اعدام برای جرائم غیرقتل و پیامدهای آن در گفت‌وگو با: علی نجفی‌توانا، صالح نقره‌کار سعید معیدفر، علی مجتهدزاده امیرحسین جلالی‌ندوشن

نگاه کارشناس

چندو چون اعدام



عمادالدین باقی
جامعه‌شناس و فعال حقوق بشر

اجرای مجازات اعدام طبق قانون باید اطلاع‌رسانی شود. قبلاً در مطبوعات و یا سایت دادگستری‌ها اطلاع‌رسانی می‌شد ولی اکنون جز در موارد خاص، اطلاع‌رسانی نمی‌شود. برای مثال قوه قضائیه اعدام محمد قبادلو و بعد از آن ۴ جوان کرد را به جرم جاسوسی اطلاع‌رسانی کرد که چون هر دو جنبه سیاسی هم داشت بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد در حالی که چند روز پیش از آن شنیده شد که در زندان دیگری ۱۱ نفر به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شدند ولی حتی خبر آن هم انتشار پیدا نکرد. گاهی این تصور ایجاد می‌شود که انتشار برخی خبرها نشان‌دهنده این است که رشته کار از دست در رفته و یا تماماً هر روز ماجرای درست می‌شود تا ماجرای قبلی تحت الشعاع قرار گیرد و افکار عمومی درگیر شود و از مسائل بنیادی یا مسائلی که توجه مردم به آنها به زبان اصحاب قدرت است، غافل بمانند. در هر صورت کراراً از طرق مختلف اخبار مجازات اعدام در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌آید و واکنش‌هایی را برمی‌انگیزد. برخی از واکنش‌ها طبعاً در موافقت است به‌ویژه از سوی رسانه‌ها و عوامل حامی حکومت و برخی واکنش‌ها هم انتقادی یا اعتراضی‌اند که نشان‌دهنده پویایی و زنده بودن یک جامعه است. هر چند برخی از آنها ممکن است صرفاً عاطفی بوده و فاقد پشتوانه حقوقی باشند. ولی یکی از عوام‌فریبی‌ها این است که برخی افراد، مخالفت علمی با مجازات اعدام را به حمایت از جرم و مجرم تعبیر می‌کنند که این کار غیراخلاقی است. یک روزنامه‌شناخته‌شده چند سال پیش به نگارنده اتهام حمایت از قاتلان را زد در حالی که هیچ انسان خردمند و منصفی با مجازات قاتل و مجرم مخالف نیست و بحث فقط بر سر دو قضیه است: ۱- عادلانه بودن دادرسی و ۲- کیفیت مجازات. بنابراین، اگر کسی از اعدام یک انسانی ناراحت شد؛ نمی‌توان علیه او اقامه دعوا کرد. اگر کسی از کشته شدن هر انسانی چه گناهکار چه بیگناه، متأثر و ناراحت نشود انسان نیست و حتماً مشکلی دارد که باید درمان شود. اصلاً فرض کنیم یک محکوم به اعدام واقعاً در یک دادرسی عادلانه محکوم و بساز فرض می‌کنیم آن محکوم تروبیست باشد. امام علی (ع) در زمان جنگ صفین نه‌تنها از کشته شدن، بلکه از دشنام دادن به کسی که در حال جنگ و کشتن او و یارانش بود نیز اظهار ناراحتی می‌کند و می‌گوید به آنها ناسزا نگویند بلکه دعای‌شان کنید. ❏

ایران با برد بزرگ مقابل ژاپن گام بلند - دی به سوی قهرمانی برداشت

جنگ جنگ تاپیروزی



فوتبال را ببینید

درباره مصاحبه‌های سرمربی و بازیکنان تیم ملی پس از بازی دیروز

یادداشت سردبیر ۱۶

گزارش دیپلماتی ۲-۳

بمب‌افکن‌های آمریکایی نقاطی در سوریه و عراق را هدف قرار دادند
گمانه‌های چندگانه درباره حملات شبانه

سرمقاله

چشم‌انداز تیره منطقه‌ای

اولین دور از حملات تلافی جویانه ایالات متحده به برخی از اهداف در خاک سوریه و عراق و علیه شبه‌نظامیان پایان یافت و ده‌ها هدف را مورد اصابت بمب و موشک قرار دادند. گرچه این نوع حملات که با اطلاع‌رسانی ضمنی صورت می‌گیرد، اهداف تاکتیکی و نمادین دارد و ظاهراً همان‌گونه که خودشان هم تأکید کرده‌اند، قصد گسترش آن را ندارند و انتظار می‌رود که با پاسخی داده نشود یا در اندازه‌های محدود صورت گیرد و در نتیجه پس از مدتی گرد و خاک، این ماجرا نیز خواهد بود؛ ولی چشم‌انداز منطقه چه خواهد بود؟ اکنون بیش از ۱۰ سال است که سوریه با جنگ داخلی و تقسیم منطقه‌ای مواجه است. در عراق هنوز ثبات سیاسی و نظامی و امنیتی وجود ندارد. در یمن نیز چشم‌انداز روشنی دیده نمی‌شود. ماجرای فلسطین و غزه نیز روشن‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. وضعیت لبنان نیز به همین طریق ناآیدار است. گروه‌های تروریستی ریشه عمیقی در منطقه پیدا کرده‌اند. واقعیت این است که همیشه در برخی از مناطق جهان جنگ و تنش بوده است ولی در مقابل، چشم‌اندازی گرچه ناروشن برای صلح و دور شدن از جنگ نیز وجود داشته است. گاه با شکست یک طرف گاه با رسیدن به یک توافق حتی المقتدر یا دیگر، تنش و جنگ پایان می‌یافت. در مقابل وضعیت این منطقه از حیث هر دو امکان ناروشن است. نه امکان شکست یک طرف یا یکی از اطراف و تسلیم بدون قید و شرط آن وجود دارد و نه چشم‌اندازی برای تفاهم و عبور از جنگ و خون‌ریزی. مشکل واقعی اینجاست که این وضعیت موجب توقف رشد اقتصادی و همکاری‌های سازنده منطقه‌ای می‌شود و همین امر در کنار بی‌ثباتی؛ موجب شده که فرآیند مهاجرت نخبگان و کارشناسان و سرمایه‌ها تشدید شود، و در نهایت تنش‌ها و جنگ‌ها را از من من می‌کند و این دور باطل منجر به عقب‌افتادن هر چه پیشتر این منطقه از جهان در حال پیشرفت خواهد شد. در این میان جایگاه و نقش ایران چه خواهد بود؟ آیا در مقام ناظر بی‌تفاوت یا بازیگر تشدیدکننده یا عاملی برای حل مشکلات و ثبات‌بخشی به منطقه خواهد بود؟ آیا هیچ کشوری می‌تواند بدون همکاری و همیاری قدرت‌های موجود در منطقه در مسیر ثبات‌بخشی عمل کند؟ البته، بیان و ادعای حرکت به سوی ثبات و تفاهم کار ساده‌ای است و تحقق آن بسیار مشکل و پرفراز و نشیب (اگر نگوئیم منتع) است. در هر حال و در گام اول، باید اراده‌ای یا ایده‌ای در این جهت شکل بگیرد. بدون ایده‌ای عملی که همه قدرت‌های منطقه‌ای را به یکدیگر نزدیک کند و هر کدام بخشی از مطالبات خود را به میان بیاورند تا محصول آن یک خبر عمومی برای کل منطقه شود، نمی‌توان مسائل و چالش‌های منطقه را حل کرد یا حداقل در مسیر حل شدن قرار داد. متأسفانه ناپایداری سیاسی و امنیتی این منطقه، پیش از هر عامل دیگر موجب عقب‌افتادن ما می‌شود. این تصور باطل است که گمان شود اگر کشورهای همسایه درگیر مشکلات باشند، عوارض آن به سایر همسایگان سرایت نخواهد کرد. همه کشورها باید فراتر از کوشش برای پیشرفت خود، نگاهی عمیق به وضعیت و امنیت دیگر کشورهای منطقه داشته باشند. برای این کار بیش از هر چیز باید اراده معطوف به تغییر سیاست شکل بگیرد و اینکه هیچ کشور و کسی نمی‌تواند دیگری را از میدان به در کند.

عکس: Gettyimages